



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة
 تاریخ: ۲۴ آبان ۱۳۹۵
 موضوع جزئی: مسئله شانزدهم - ادله قول به عدم وجوب خمس در عینی که از محل حاجت خارج شده (دلیل پنجم)
 مصادف با: ۱۴ صفر ۱۴۳۸
 سال هفتم
 جلسه: ۲۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

تاکنون چهار وجه و دلیل بر عدم خمس در عینی که از محل ربح و سود خریداری شده و مدتی مورد استفاده قرار گرفته و اکنون از محل حاجت خارج شده، اقامه شد. فی الجمله این ادله قابل اتکا بود، البته در بعضی از وجوه اشکالاتی مطرح بود و این اشکالات مورد بررسی قرار گرفت. دو وجه دیگر باقی ماند که عرض خواهد شد.

دلیل پنجم

دلیل پنجم وجهی است که بعضی الاعاظم ذکر کرده اند و آن این است که اساساً مردم وقتی متصدی شغلی می شوند، غرض آنها این است که با درآمدی که از این شغل برای آنها حاصل می شود، حوائج و نیازهای تدریجی خود را برطرف کنند؛ پس این مسئله یک امر عقلائی و طبیعی و لابدی منته است که مردم حوائج و نیازهای خود و عیالشان را [اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و هزینه هایی که صرف درمان و وسائل مورد نیاز زندگی می شود] تحصیل کنند. بنابراین بر مقداری که صرف حوائج زندگی می شود، عنوان فائده و اغتنام صدق نمی کند؛ مثلاً اگر شخصی یک میلیون تومان درآمد داشته باشد و همه را صرف زندگی کند، در این صورت کسی نمی گوید فائده و سود نصیب این شخص شده است. به عبارت دیگر خروج نیازهای زندگی از دایره فائده و ربح، یک خروج تخصصی است.

پس چیزی که مؤونه است، در حالت تحصیل و شراء مصداق اغتنام نیست، لذا چنانچه در آینده هم مورد نیاز باشد، مصداق اغتنام نیست. مثلاً شخصی امسال با پولی که بدست آورده یک فرش خریداری می کند که مورد نیازش بوده است؛ حال نه فقط امسال عنوان فائده بر مایحتاج زندگی که خریداری کرده صدق نمی کند بلکه حتی در سال آینده هم عنوان فائده بر آنها صدق نمی کند. بلکه حتی اگر [ما یحتاج] از محل حاجت خارج شود (مثلاً سال آینده دیگر نیازی به این فرش و وسائل نداشته باشد)، آن جا کسی نمی گوید که اغتنم و استفاد.

پس عنوان فائده بر حوائج انسان در وقت تحصیل و در بدو امر صدق نمی کند و مصداق برای اغتنام نیست و چنانچه در سال های بعد از آن استفاده کند و از محل حاجت هم خارج شود مصداق فائده نیست؛ در حالی که موضوع خمس بنا بر ظاهر آیه خمس، «و اعلموا انما غنمتم من شیء» این است که این غنم، یک غنم فعلی و تازه باشد؛ «الظاهر فی الحدوث و التجدد».

لذا اساساً چیزهایی که انسان از آنها بهره می‌برد و در زندگی از آنها استفاده می‌کند، در بدو امر خروج شان از دایره خمس، خروج تخصصی است و در ادامه چه مورد نیاز باشند و چه از محل احتیاج خارج شوند، عنوان فائده و غنیمت بر آن صدق نمی‌کند.

سپس ایشان این مطلب را به سیره عملیه در جمیع اعصار تأیید می‌کند و می‌گوید سیره عملیه عقلاء و چه بسا متشرعه (ایشان تعبیر متشرعه و عقلاء را ندارند بلکه تعبیر سیره عملیه را دارند) بر این است که این امور را بعد از ارتفاع حاجت از مصادیق غنیمت و فائده به حساب نمی‌آورند؛ لذا استدلال شان را به سیره عقلاء تأیید می‌کنند. به تعبیر دیگر استفاده ای که از ظاهر ادله می‌کنند، به سیره عقلاء مؤید می‌کنند و نهایتاً می‌فرمایند حکم به وجوب تخمیس در عینی که از محل حاجت خارج شده، مخالف ارتکاز است.^۱

تفاوت این دلیل با ادله گذشته

قبل از اینکه به بررسی این وجه پرداخته شود، ابتدا اشاره‌ای به تفاوت این دلیل با سایر ادله می‌شود؛ در وجوه سابقه، هر جا که صحبت از خروج مؤونه از ادله خمس به میان آمد، خروج بالتخصیص مورد نظر بود؛ عمدتاً بحث از استثناء مؤونه از ادله خمس و چه بسا تصریح به این مطلب بود که ادله خمس با ادله استثناء تخصیص می‌خورند.

علی ای حال عده‌ای از بزرگان قائل به خروج تخصصی مؤونه از ادله خمس هستند. وقتی گفته می‌شود خروج تخصصی، معنایش این است که ادله، خمس را در فائده ثابت کرده و چیزی که مؤونه باشد عنوان فائده بر آن صدق نمی‌کند. وقتی شما این سود را صرف خوراک می‌کنید، دیگر اسمش غنیمت و فائده نیست. فائده یعنی اینکه یک چیز اضافه و تازه‌ای برای انسان حادث شود. این یک تفاوت اساسی این دلیل با ادله قبلی است.

این جهت خودش مستقلاً قابل بحث است و لا ضیّر فی التزام به. ما قول به تخصص را بعید نمی‌دانیم؛ اما عمده این است که باید دید چگونه با این دلیل می‌شود عدم الخمس را در مانحن فیه ثابت کرد؛ این نکته مد نظر است و الا اصل اینکه مؤونه تخصیصاً خارج می‌شود یا تخصیصاً یک بحثی است که سابقاً در بحث مؤونه مطرح شد و در حال حاضر وارد آن جهت نمی‌شویم.

بررسی دلیل پنجم

باید دید آیا اگر قائل به خروج تخصصی مؤونه از ادله خمس شویم، می‌توانیم عدم وجوب خمس را اثبات کنیم یا خیر؟ آنچه از ادله خمس خارج شده، چه تخصیصاً و چه تخصیصاً [هر چند ایشان اینجا خروج را تخصصی می‌داند] عنوان مؤونه السنه است. اصل تقیید مؤونه به سنه را هم ایشان قبول دارند اما اینکه این تقیید به چه دلیلی اثبات می‌شود، محل اختلاف است. ایشان می‌گویند «بالاطلاق المقامی او بالتبادر العرفی»، از راه اطلاق مقامی یا تبادر عرفی تقیید مؤونه به سنه را می‌پذیرد. علی ای حال صرف نظر از اینکه تقیید به سنه به اطلاق مقامی و تبادر عرفی باشد یا غیر آن، ایشان قائل به این است مؤونه «لا یعد فائده»، چه در وقت حدوث و چه در استدامه و چه زمانی که از محل حاجت خارج شود.

^۱. کتاب الخمس و الانفال (آقای منتظری)، ص ۲۰۸.

مسأله این است که اگر عینی در سال آینده مورد نیاز باشد، بالاخره عنوان مؤونه السنة بر آن منطبق است یا خیر؟ وقتی می‌گوییم «مؤونه السنة» یعنی «مؤونه سنة الاسترباح»، مؤونه همان سالی که سود برده است (یعنی همان سال اول). اما آیا مؤونه السنة با این معنایی که گفته شد بر سال دوم آن منطبق است تا خروج آن تخصصی شود؟ پس اصل اشکال این است که ایشان می‌گویند مؤونه به طور کلی چه در سنه اول، یعنی «سنة الاسترباح» و چه فی السنین اللاحقه و حتی وقتی که از محل حاجت خارج شود، صدق عنوان فائده بر آن نمی‌شود و خروج آن تخصصی است؛ لکن عرض ما این است که به سختی می‌توان حکم به خروج مؤونه ای که از محل حاجت خارج شده، به نحو تخصص کنیم.

اللهم الا ان يقال، (چنانچه خود مستدل هم گفته) که عمده دلیل بر تقیید به سنه اطلاق مقامی و تبادر عرفی است. یعنی بنای عقلاء عملاً بر این است که مؤونه‌ها و هزینه‌ها را سالانه حساب می‌کنند و نه ماهانه و هفتگی. پس اگر تبادر عرفی ملاک باشد، باید به سراغ عرف رفت؛ عرف هم اعیانی را که تا ابد باقی می‌ماند، مؤونه می‌داند. مثلاً خانه، با اینکه «مؤونه السنة الاولى» نیست، اما مؤونه است؛ سال‌های بعد هم مؤونه است و فقط برای یک سال نیست. این حرف ایشان در مورد چیزهایی مثل خانه که ابدی است یا چیزهایی است که به این زودی از محل حاجت خارج نمی‌شود درست است و در مورد این‌ها مشکلی نداریم، ولو اینها «مؤونه السنة الاولى» نیستند بلکه مؤونه همیشگی هستند، اما در عین حال از دائره تعلق خمس خارج هستند.

لکن در مورد اعیانی که از محل حاجت خارج می‌شوند، این مسأله را نمی‌توانیم بگوییم. مثلاً این فرش امسال استفاده شده و سال آینده استفاده نمی‌شود. در مورد فرش، نمی‌توان مثل خانه حرف زد. نمی‌توان گفت اختصاص به سنه ندارد. مؤونه السنة از موضوع ادله خمس خارج شده به خروج تخصصی [به تعبیر ایشان]. حالا اگر تخصصاً خارج شده، آیا عینی که سال آینده از محل حاجت خارج می‌شود، آیا می‌توان گفت به خاطر مؤونه السنة بودن خروجش از موضوع خمس، خروج تخصصی است؟

علی‌ای حال این به نظر بدوی خالی از اشکال نیست. دقت شود آن چیزی که ما می‌خواهیم به عنوان اشکال مطرح کنیم این است که بخواهیم حکم کنیم به خروج تخصصی عینی که از محل حاجت در سنه لاحقه از موضوع خمس خارج شده است. هرچند در مورد سنه استرباح درست است و عنوان مؤونه السنة بر آن منطبق است و این تخصصاً فائده نیست. در مثل خانه هم که ماندگاری‌اش ابدی است، درست است که مؤونه خصوص آن سال نیست، ولی عرف این را مؤونه حساب می‌کند. آن را هم می‌توانیم بگوییم خروجش تخصصی است اما در مورد فرشی که الان نیاز به آن نیست، نمی‌توان گفت خروج آن هم تخصصی است. لذا از این جهت چه بسا بگوییم این مطلب خالی از اشکال نیست.

نعم، اگر ما با قطع نظر از خروج تخصصی مؤونه از دائره خمس آن هم با تقیید به سنه نگاه کنیم و مثل آنچه که سابقاً گفتیم، بگوییم مقصود ایشان این است که عینی که از محل حاجت خارج شده، سال دوم عنوان فائده بر آن صدق نمی‌کند و خمس ندارد، زیرا سال قبل مؤونه السنة بود و تخصصاً از خمس خارج شده بود؛ اما به لحاظ امسال اگر بخواهد دلیل خمس شامل آن باشد، باید عنوان فائده جدید بر آن صدق کند و این از نظر عرف فائده جدید محسوب نمی‌شود؛ پس ادله خمس شامل آن نمی‌شود، در این صورت می‌توان دلیل ایشان را پذیرفت ولی این مطلب تازه‌ای ندارد. پس اگر همان

چیزی را که سابقاً در توضیح دلیل سوم و جواب از اشکالات آن گفتیم، مد نظر باشد، می‌توانیم این دلیل را بپذیریم، ولی این دیگر دلیل مستقلی نیست.

فقط به یک نکته دقت شود که دلیل سوم که آقای حکیم بیان کردند، این بود که خمس هر سالی بنا بر ادله مختص به فائده همان سال است. مرحوم آقای منتظری به این دلیل اشکال کرده و می‌گویند ظاهر ادله این نیست که خمس در هر سال مختص به فائده آن سال باشد؛ با اینکه ایشان این اشکال را کرده و معتقد است صحیحه علی بن مهزیار دلالت بر این ندارد که خمس هر سالی مختص به فائده همان سال است؛ اما به هر حال لازمه این بیان (لازمه ادعای عدم صدق فائده و غنیمت بر عینی که از محل حاجت خارج شده)، این است که دلیل خمس شامل آن نمی‌شود. چون دلیل خمس، خمس را در فائده سال قبل ثابت کرد که نسبت به آن سال جدید بود. اما نسبت به امسال نمی‌تواند خمس را ثابت کند چون فائده ای نیست. بالاخره هر چند ایشان و آقای شاهرودی اختصاص دلیل خمس را به فائده هر سال انکار کرده‌اند، اما انسان وقتی دقت می‌کند ادله‌ای که بعضاً اقامه می‌کنند، مآلاً به همین مسأله منتهی می‌شود. بالاخره لازمه این وجهی که ایشان به آن استناد کرده، اختصاص است، ولو اینکه ایشان آن را رد کرده است.

لذا این دلیل پنجم طبق یک تقریب و یک توضیح، خالی از اشکال نیست و طبق یک بیان هم برمی‌گردد به آن چه که سابقاً گفته شد. پس دلیل تازه و مستقلی نیست.

سؤال:

استاد: بله! اینکه شما می‌فرمایید از یک جهت درست است، اگر خروجش تخصیصی باشد، امکان رجوع به دلیل عام باقی می‌ماند؛ ولی اگر خروج تخصیصی باشد، اصلاً امکان رجوع به دلیل عام وجود ندارد. از این جهت فرمایش شما درست است ولی باید دید آیا واقعاً در مورد این مؤونه ای که الان از محل حاجت خارج شده، با توجه به تقییدی که به سنه شده و توضیحی که خود ایشان داده، آیا می‌توان گفت خروج تخصیصی بر آن منطبق است؟

سؤال:

استاد: مثال زدیم که مثلاً کسی امسال درآمدی دارد و نصف آن را صرف زندگی می‌کند، آخر سال می‌گویند این شخص چقدر فائده کرده؟ پانصد تومان، زیرا آن پانصد تومانی را که هزینه کرده کانه فائده نبوده است. صدق عنوان فائده بر آن نمی‌شود. اما این قید سنه دارد، یعنی مؤونه السنة. حالا چه تقیید را با اطلاق مقامی ثابت کنیم و چه با تبادل عرفی. بالاخره مؤونه السنة تخرج عن دلیل الخمس عن موضوع وجوب الخمس تخصصاً. پس قید سنه را داریم. اگر قید سنه را داشتیم، کانه کسی به ایشان می‌گوید پس کسی که خانه می‌خرد تا یک سال جزء آن مؤونه است، سال بعد دوباره باید جزء مؤونه حساب کنیم؟ می‌گوید: نه! خانه و چیزهایی که عرف برای همیشه می‌خرد، دیگر مسأله سنه مطرح نیست. عرف آنها را به عنوان مؤونه یک سال خاص نگاه نمی‌کند. برای همیشه خانه است. لذا اگر امسال خرید، همین امسال از فائده هایش کسر می‌شود. این را هم ما قبول داریم و می‌گوییم این هم درست است. اما این استدلال و بیان ایشان فقط در مورد مؤونه‌هایی که همان سال صرف می‌شود و چیزهایی که برای همیشه می‌خرد و استفاده می‌کند، قابل قبول است اما چیزی که می‌خرد و بعداً از محل حاجت خارج می‌شود، آن را هم می‌توانیم بگوییم خروجش تخصیصی است؟

سؤال:

استاد: سال گذشته چون از آن استفاده می‌شد، مؤونه السنه بود، و تخصصاً خارج می‌شود.

سؤال:

استاد: این وجه دومی بود که من عرض کردم. می‌گوییم امسال چرا خمس ندارد؟ چون فائده نیست. صدق عنوان فائده بر این چیزی که از محل حاجت خارج شده نمی‌کند.

سؤال:

استاد: عرض کردم بازگشت می‌کند به همان چیزی که گفتیم، تنها تفاوت آن مسأله تخصیص و تخصص است.

سؤال:

استاد: تعلق نمی‌گیرد. در نتیجه با اینها اختلاف نداریم، بالاخره معنایش این است که شما اختصاص ادله خمس را به فائده همان سال پذیرفته اید. یعنی ما هر سالی را برای خودش نگاه می‌کنیم، می‌گوییم اگر امسال فائده داشته باشد پس خمس هم دارد.

سؤال:

استاد: ایشان قبول ندارد و اختصاص را رد می‌کند. ظاهر ادله این نیست.

سؤال:

استاد: آن برای تقیید مؤونه به سنه بود. این غیر از اختصاص خمس به سنه است. ما دو دلیل داریم، یک دلیل خمس داریم و یک دلیل استثناء داریم. در مورد تقیید دلیل استثناء به مؤونه همه می‌گویند، بالاخره دلیل استثناء مقید به سنه شده است، اما در مورد دلیل خمس اختلاف بود، آقای حکیم می‌گفت دلیل خمس اختصاص به فائده همان سال دارد. به ایشان اشکال شده بود که دلیل خمس مطلق است و اختصاص به فائده آن سال ندارد. پس ما در مجموع وجه پنجم را رد نمی‌کنیم ولی در واقع اگر بخواهیم دقت کنیم، به همان دلیل سوم بازگشت دارد، در عین اینکه ایشان به یک بخش از دلیل سوم هم اشکال کرده است.

دلیل ششم (اصل علمی)

دلیل ششم اصل علمی است. به طور کلی اگر در وجوب خمس نسبت به عینی که از محل حاجت خارج شده شک کنیم، (چه مشکل در ناحیه دلیل استثناء باشد و چه مشکل در ناحیه دلیل خمس باشد، چه اطلاق زمانی دلیل خمس را انکار کنیم و چه اطلاق دلیل استثناء را)، اصل مقتضی عدم وجوب خمس است. منظور از اصل هم یا استصحاب عدم خمس است یا براءت.

استصحاب عدم خمس به این تقریب است که می‌گوییم این عین «فی حالة انتفاع عنها و فی حالة كونها مؤونه فی السنه السابقة لم يجب فيه الخمس»، این تا زمانی که از آن بهره برداری می‌شد، خمس نداشت؛ «لكونها مؤونه السنه»، برای

اینکه مؤونه سنه بود و به خاطر ادله استثناء، خمس در آن واجب نبود. الان بعد از خروج از محل حاجت شک می‌کنیم آیا خمس در آن واجب است یا نه؟ استصحاب عدم وجوب خمس می‌کنیم.

تقریب اصل برائت هم به این بیان است که به طور کلی ما اصلاً فرض می‌کنیم که شک در تکلیف خمس نسبت به این عین داریم و اصلاً حالت سابقه را لحاظ نمی‌کنیم. الان با عینی مواجه شده‌ایم که خرجت عن محل الحاجة، شک می‌کنیم خمس دارد یا خیر؟ اصل برائت اقتضا می‌کند که خمس ندارد.

فتحصل مما ذكرنا كله وجوهی که ما تاکنون اقامه شد، فی الجملة می‌تواند عدم وجوب خمس را در عینی که از محل حاجت خارج شده، اثبات کند.

بحث جلسه آینده: بررسی ادله وجوب خمس در مانحن فیه.

«الحمد لله رب العالمين»